



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دیروز عرض کردیم هر مسئله ای یک سیر تاریخی دارد، اینکه ما بدانیم در طول قرون و اعصار در حوزه ها و مجامع علمی آن مسئله چه عقبه ای داشته و چه جریاناتی را پشت سر گذاشته کمک زیادی به درست فهمیدن و خوب فهمیدن زوایای آن مسئله می کند و مسئله ولایت فقیه نیز همینطور است، از این جهت مقدمه باید به کلمه امام رضوان الله علیه که فرمودند "ولایت فقیه همان ولایت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم است" توجه و دقت زیادی داشته باشیم و این یعنی اینکه ما باید همان ولایتی که از طرف خداوند متعال تشریح شد را در نظر بگیریم اما در مقابلش ابو سفیان ها و ابو لب ها و ابو جهل ها و قدرت ها و مخالفین فراوان وجود داشت ولی بالاخره پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم توانست با کمک خداوند متعال آن ولایت رسول الله را عملی کند، خلاصه اینکه کلام امام رضوان الله علیه بسیار پر محتوی و عمیق و دقیق است و ما نباید ساده به آن نگاه کنیم بلکه باید به محتوای هر دو توجه داشته باشیم.

ولایت یعنی مدیریت یک جامعه، جامعه اسلامی یک مجموعه ای است که نظام فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و جهادی و دفاعی و اجتماعی دارد لذا آن ولایت و سیاست باید به قدری کامل باشد که بر اساس عدل و فرهنگ اسلامی تمام این نظام ها را اداره کند، این نظام را پیغمبر خدا بوجود آورد و اداره کرد ولی خب لازم است که چنین جریانی بعد از ایشان نیز امتداد پیدا کند لذا باید یک قدرت و جریانی بوجود بیاید تا اینکه هم آنچه که بوجود آمده حفظ شود و هم بسیاری از مطالبی که بیان نشده را تبیین کند و هم آن مطالب را اجراء کند فلذا امامت در سه جبهه باید کار کند؛ اول تبیین، دوم اجراء، حفظ از تحریف و امثاله.

در روز غدیر پیغمبر خدا حضرت امیر علیه السلام را به عنوان جانشین خودشان و ادامه دهنده راهشان معرفی کردند اما این

جریان با سقیفه بنی ساعده مواجه شد که حضرت امیر علیه السلام در خطبه شقشقیه این مشکل و مصیبت را بیان کرده است، (خطبه شقشقیه بسیار مهم است و علامه امینی رضوان الله علیه در الغدیر از ۲۸ طریق از طرق اهل سنت خطبه شقشقیه را نقل کرده و شبهه ساختن آن توسط خود شیعیان را بر طرف کرده)، بالاخره در مقابل جریان و نظامی بوجود آمد که باعث شد حضرت امیر علیه السلام با تمام قدرت و شمشیری که در بدر و حنین و خیبر داشتند ۲۵ سال کناره گیری کردند و صبر و تحمل کردند تا اینکه در داخل اختلاف پیش نیاید و اسلام از داخل ضربه نخورد و نابود نشود و اسلام تثبیت شود، علی آئی حال مردم ۲۵ سال از حکومت اسلامی الهی بر محوریت ولایت محروم بودند و در این ۲۵ سال اوضاع تغییر کرد لذا حضرت امیر علیه السلام در نامه اش به مالک اشتر می نویسد: ﴿فَإِنَّ هَذَا الدِّينَ قَدْ كَانَ أَسِيرًا فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ، يُعْمَلُ فِيهِ بِالْهَوَىٰ، وَتُطَلَّبُ بِهِ الدُّنْيَا﴾<sup>۱</sup>، خب حالا وقتی در ۲۵ سال ولایت کنار برود این همه تفاوت بوجود می آید اگر قرن ها ولایت نباشد چه بر سر جامعه خواهد آمد؟!، بعد از گذشت ۲۵ سال مردم فهمیدند که مسلمانان محتاج به ولایت و نظام عادلانه الهی هستند لذا هجوم آوردند که حضرت امیر علیه السلام خلافت و ولایت را قبول کند که خود حضرت در خطبه شقشقیه اینطور می فرماید: ﴿فَمَا رَاعِنِي إِلَّا وَالنَّاسُ كَعُرْفِ الضَّبُعِ الْيَئِي، يَنْتَالُونَ عَلَيَّ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ، حَتَّى لَقَدْ وُطِيَءَ الْحَسَنَانِ، وَشَقَّ عَطْفَايَ، مُجْتَمِعِينَ حَوْلِي كَرِيضَةِ الْعَنَمِ. فَلَمَّا نَهَضْتُ بِالْأَمْرِ نَكَّتْ طَائِفَةً، وَ مَرَقَتْ أُخْرَى، وَقَسَطَ آخَرُونَ: كَأَنَّهُمْ لَمْ يَسْمَعُوا اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَقُولُ: تِلْكَ الدَّارُ الْأَخْرَى نَجَعَلَهَا لِلدِّينِ لَا يُرِيدُونَ غُلُوقًا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا، وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ، بَلَى! وَاللَّهِ لَقَدْ سَمِعُوهَا وَوَعَوْهَا، وَ لَكِنَّهُمْ حَلَبَتِ الدُّنْيَا فِي أَعْيُنِهِمْ، وَرَاقَهُمْ زَبْرُجُهَا!﴾<sup>۲</sup>.

نکته: بنده تاکید بر خواندن نوشته های امام رضوان الله علیه دارم زیرا معتقدم باید افکارشان جزء بحثهای حوزوی قرار داده شود چراکه ایشان تنها یک سیاست مدار نیست بلکه یک فقیه

<sup>۱</sup> نهج البلاغه، تنظیم مرحوم دشتی، ص ۲۹۶، نامه ۵۳.

<sup>۲</sup> نهج البلاغه، تنظیم مرحوم دشتی، ص ۱۰، خطبه ۳.

بعد ائمه علیهم السلام یکی پس از دیگری به امامت و ولایت رسیدند و عده ای از مردم با اعتقاد آنها را یاری کردند و حتی بعضی از آنها برای حفظ ولایت جان دادند امثال کمیل بن زیاد ها و رشید هجری ها، حجرین عدی ها و میثم تمارها، خلاصه این خط سیر ولایت در طول تاریخ بوده و هست و خواهد بود و حضرت امیر علیه السلام نیز در نهج البلاغه فرمودند: ﴿أَمَّا إِنَّهُ سَيَطَّهَّرُ عَلَيْكُمْ بَعْدِي رَجُلٌ رَحْبُ الْبُلْعُومِ، مُنْدَحِقُ الْبَطْنِ، يَأْكُلُ مَا يَجِدُ، وَيَطْلُبُ مَا لَا يَجِدُ، فَاقْتُلُوهُ، وَلَنْ تَقْتُلُوهُ! أَلَا وَإِنَّهُ سَيَأْمُرُكُمْ بِسَبِّي وَالْبَرَاءَةِ مِنِّي؛ فَأَمَّا السَّبُّ فَسُبُّونِي، فَإِنَّهُ لِي زَكَاةٌ، وَلَكُمْ نَجَاةٌ؛ وَأَمَّا الْبَرَاءَةُ فَلَا تَبْرَأُوا مِنِّي؛ فَإِنِّي وُلِدْتُ عَلَى الْفِطْرَةِ، وَسَبَقْتُ إِلَى الْإِيمَانِ وَالْهَجْرَةِ﴾<sup>۴</sup>، یعنی معاویه که ذکر شده به قدری میخورد که می گفت خسته شدم اما سیر نشدم!.

تمام ائمه علیهم السلام و طرفدارانشان در طول تاریخ به هر طریقی ولو با بذل جان و شهادت ولایت را یاری و حفظ کردند تا اینکه به زمان غیبت صغری رسید و در این مدت نیز در حدود ۷۰ سال از طریق نواب اربعه رحمة الله علیهم مردم با امام زمان علیه السلام ارتباط داشتند و امامت و ولایت محفوظ ماند تا اینکه به غیبت کبری رسید که ادامه بحث بماند برای فردا

إِنْ شَاءَ اللهُ تَعَالَى... .

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على

محمد و آله الطاهرين

سیاست مدار و فیلسوف و ادیب و مجاهد و فریادگر و عارف است لذا یک فقیه اینچنینی باید کلماتش در حوزه محور باشد، مثلا ایشان برائت از مشرکین در حج را واجب می دانند اما فقهاء دیگر اصلا این مسئله را بیان نکرده اند! و یا مثلا در جواهر و قواعد و شرایع و دیگر کتب فقهی ما برای جهاد سه نوع ذکر شده (جهاد با کفار در صورت قدرت، جهاد بغا، جهاد دفاعی) ولی امام رضوان الله علیه تا هشت نوع برای جهاد ذکر کرده و تمام آنها را از قرآن استفاده کرده اند فلذا در نوشته های خودشان از خشک مقدس ها شکایت دارند.

حضرت امیر علیه السلام به خوارج مبتلی شدند افراد خشک مقدسی که به اندازه ای عبادت کرده بودند که پیشانی هایشان پینه بسته بود و آنقدر بروی ریگهای بیابان سجده کرده بودند که دستهایشان زخم شده بود اما در جریان به نیزه زدن قران ها در مقابل حضرت ایستادند و گفتند یا علی علیه السلام تو کافر شده ای باید توبه کنی! با چنین خشک مقدسینی چه کار باید کرد؟! خب چاره ای جز جنگیدن و از بین بردن آنها وجود ندارد مثل همین داعش و بوکوحرام و تکفیریهای امروز، خلاصه بالاخره خوارج در جنگ نهروان در مقابل حضرت ایستادند و حضرت به آنها فرمود که تمام شما کشته می شوید غیر از ده نفرتان و از ما نیز بیشتر از ده نفر شهید نمی شوند و همین هم شد.

آنها حضرت را می شناختند و می دانستند علی علیه السلام کیست اما همان طور که حضرت در کلامشان فرمودند: ﴿تَلَكُ الدَّارُ الْأَخْرَةُ تَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا، وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾<sup>۳</sup>، یعنی آنها این آیه را شنیده بودند و خوانده بودند و حتی حفظ بودند اما دنیا و حب دنیا در کامشان شیرین جلوه کرد و زینت و زیور دنیا آنها را فریب داد و چنین کاری کردند.

شرائط مذکور ۲۵ سال طول کشید و بالاخره خلافت به حضرت رسید و در پنج سال سه مشکل برای ایشان بوجود آمد یعنی جنگهای جمل و صفین و خوارج نهروان و بعد از گذشت پنج سال حضرت به شهادت رسیدند و از دنیا رفتند و

<sup>۳</sup> سوره قصص، آیه ۸۳.

<sup>۴</sup> نهج البلاغه، تنظیم مرحوم دشتی، ص ۴۶، خطبه ۵۷.